

وَلَقَدْ عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ۖ  
أَشْجَاوًا أَتَىٰ فِي الْغِيظِ  
وَاجْتَبَىٰ ۖ وَتَوَلَّىٰ وَوَجَّ  
حَدًّا ۖ كَذًا ۖ يَخْمَرُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به اسم الله رحمان رحیم

عَبَسَ ۖ وَتَوَلَّىٰ ۙ ۱ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۙ ۲  
وَمَا يَدُرُّكَ لَعَلَّ يَسْكَرُ ۙ ۳

عبوس کرد و عقب شد\* که آمد نزدش نابینا\* و چه کنی درک شاید او شود پاک\*

(۱) این آیات وقتی نازل شد که عبد الله ابن ام مکتوم بیان حضرت پیغمبر ﷺ را قطع و باعث برآشفستگی او گردید.

أَوَيْدًا كَرَفْتَنَفَعَهُ الذِّكْرَى ٤ ٥ أَمَّا مَنِ اسْتَعْنَى ٥ فَأَنْتَ لَهُ

یا شود متذکر و کند نفع او را ذکر. \* اما آنکه کرد استغنا \* باز تو او را

تَصَدَّى ٦ ٧ وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَرْكَبُ ٧ وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ٨

شده تصدی \* و نیست بر تو که نشود پاك. \* و اما آنکه آمد نزدت با سعی \*

وَهُوَ يَخْشَى ٩ فَأَنْتَ عَنْهُ تَكْفَى ١٠ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ١١ فَمِنْ

و او داشت ترس \* باز تو از او شدی بی اعتنا \* نی! اینست تذکار \* هر که

شَاءَ ذِكْرَهُ ۱۲ فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ۱۳ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۱۴ بِأَيْدِي

خواهد متذکرش شود \* در صحف مکرم \* مرفوع مطهر \* با دستان

سَفَرَةٍ ۱۵ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۱۶ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۱۷ مِنْ أَيِّ

نویسندگان \* کرام و نیکو. \* هلاک باد انسان چه کردش ناشکر. \* از چه

شَيْءٍ خَلَقَهُ ۱۸ مِنْ نُطْفَةٍ ۱۹ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ۱۹ ثُمَّ السَّبِيلَ

شیئی خلق کرد او را \* از نطفه. خلق کردش باز مقدرش \* باز سبیل را

يَسْرَهُ ٢٢ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ٢٣ ثُمَّ إِذَا شَاءَ انشُرَهُ ٢٤ كَلَّا لَهَا

کرد آسان براو\* باز داد موت او را و کرد در قبرش\* باز که خواهد کند زنده اش.\* نه! کجا

يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ٢٣ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ٢٤ أَنَا صَبَبْنَا

داد انجام آنچه شد امر باو.\* بکند نظر انسان به طعام خود\* ما ریختیم

الْمَاءَ صَبًّا ٢٥ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ٢٦ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ٢٧

آب را ریزان\* باز شق کردیم زمین را شق\* باز نبات کردیم آنجا حبه\*

وَعِنَبًا وَقَضْبًا<sup>۲۸</sup> وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا<sup>۲۹</sup> وَحَدَائِقَ غُلَبًا<sup>۳۰</sup> وَفَاكِهَةً

و انگور و سبزیجات \* و زیتون و خرما \* و باغ های غلو \* و میوه

وَأَبْنَاءَ مَتَاعًا<sup>۳۱</sup> لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ<sup>۳۲</sup> فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعَةُ<sup>۳۳</sup>

و علف \* متاع برایشما و انعام شما. \* وقتی بیاید صدای کرکننده \*

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنَ أَخِيهِ<sup>۳۴</sup> وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ<sup>۳۵</sup> وَصَاحِبَتِهِ وَ

روزیکه کند فرار مرد از برادر خود \* و مادر خود و پدر خود \* و همسر خود و

بَنِيهِ<sup>ط</sup> ۳۶ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ<sup>ط</sup> ۳۷ وَوَجْوهُ

اولاد خود \* هر مردی از آنها را امروز حالست بخود پیچانده. \* روی هائی

يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ<sup>ط</sup> ۳۸ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ<sup>ط</sup> ۳۹ وَوَجْوهُ

آنروز تابان \* خندان و شادمان \* و روی هائی

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ<sup>ط</sup> ۴۰ تَرْتُهُمُ قَتْرَةٌ<sup>ط</sup> ۴۱ أُولَئِكَ هُمُ

آنروز برآنست غباری \* بپوشاند آنرا سیاهی. \* آنها بودند

٧ عبس ٨٠ عمّ ٣٠ منزل ٧

# الْكُفْرَةُ وَالْفَجْرَةُ ٤٦

كافران فاجر<sup>١</sup> \*